

نقش ائمه در خودباوری

محمدباقر حقانی فضل (پژوهشگر و نویسنده حوزه رسانه)

کارل گوستاو یونگ، روان‌شناسان آلمانی که از روان‌شناسان مطرح است، در تحقیقی به نتایج جالبی دست یافت. وی در بررسی‌های خود متوجه شد که مراجعه کنندگان به مطب روانپزشکی‌اش بیشتر از پروتستان‌ها هستند و کاتولیک‌ها کمتر به مطب مراجعه می‌کنند.

نظریه‌های متفاوتی در این باره وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد عامل اصلی مراجعه بیشتر پروتستان‌ها به روان‌پزشک داشتن شخصیت متزلزل‌تر نسبت به کاتولیک‌ها است. کمتر بودن اعتقاد در پروتستان‌ها نسبت به کاتولیک‌ها و همچنین عدم وجود ملجائی کارساز برای پروتستان‌ها، باعث شده است که افراد کاتولیک نسبت به پروتستان‌ها شخصیتی باثبات‌تر داشته باشند. با نگاهی به تاریخ متوجه می‌شویم که افراد معتقد و با ایمان شخصیت‌هایی مستحکم داشته‌اند؛ مانند حضرت علی (علیه السلام) که در مقابل خداوند در اوج ناتوانی خود را نشان می‌دهد، اما در مقابل دشمنان شخصیت مستحکمی و در اوج خود باوری را به رخ می‌کشد.

خودباوری را می‌توان دست‌آورد عزت دانست. خودباوری همواره در سایه عزت و آزادی محقق می‌شود. در برابر عزت، ذلت قرار دارد که به معنای نبود حالت شرافت و عزت در آدمی است، به‌گونه‌ای که انسان به سادگی پذیرای شکست از دیگران می‌شود. در آموزه‌های دینی اسلام و آموزه‌های ائمه (علیهم السلام) عزت در بندگی، معنویت‌گرایی و رهایی از قید و بند شهوت و دنیاگرایی است. در سراسر دین مبین اسلام تکیه و تأکید بر خودباوری و عزت آحاد مردم جامعه به چشم می‌خورد که در این نوشته تنها به بخش کوچکی از آموزه‌ها و روایات مربوط اشاره می‌کنیم.

۱. خداوند در آیه شش سوره فصلت درباره حضرت محمد می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ؛ بگو من بشری چون شمایم جز اینکه به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید و وای بر مشرکان». این نوع سخن گفتن با افراد جامعه و بیان اینکه پیامبر (صلی الله و علیه و آله) از جنس مردم است می‌تواند به این دلیل باشد که به افراد جامعه نوعی خودباوری القا گردد و این وعده و انگیزه داده شود که شما هم می‌توانید همانند پیامبر (صلی الله و علیه و آله) باشید.

۲. نظریه شیعه در مورد بحث جبر و اختیار نیز نشانگر توجه خاص این فرقه بر خودباوری فرد فرد جامعه است؛ زیرا در این آموزه، فرد مجبور در نظر گرفته نمی‌شود و برای افراد جامعه اختیار در نظر گرفته می‌شود. اگر فرد مجبور تصور شود، دیگر انگیزه‌ای برای حرکت و رفتارهای خودش ندارد و خودباوری معنایی ندارد.

۳. خداوند حضرت محمد(صلی الله و علیه و آله) را اسوه‌ای برای جامعه معرفی می‌کنند. با تدبیر در سیره ایشان می‌توان دریافت که خودباوری و عزت در تمامی مراحل زندگی ایشان - مگر در برابر پروردگار - موج می‌زد. جواب ایشان به سران قریش که ابتدا ایشان را به مال وعده دادند و بعد ایشان را تهدید به قتل کردند، خود بیانگر خودباوری و عزت والای پیامبر اکرم(صلی الله و علیه و آله) است.

۴. در تمام تعالیم ائمه(علیهم السلام) تکیه بر خود فرد همواره نمایان است؛ به این معنی که ائمه(علیهم السلام) افراد را صاحب صلاحیت برای تشخیص می‌دانستند که خود این امر موجب اعتماد به نفس برای افراد می‌شد. بسیار اتفاق افتاده است که امام معصوم فردی را وصی خود قرار داده و گفته است که حرف و کلام فرد مزبور، حرف و کلام من است. تعیین نواب اربعه توسط امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت صغرا و همچنین خود غیبت کبرا، نمونه‌های بارزی از اعتماد ائمه(علیهم السلام) بر افراد جامعه و تشویق مردم به خودباوری است. پیدایش نظام مرجعیت بدون خودباوری افرادی که قرار است مرجع باشند محال بود.

۵. در احادیث مختلفی بر عزت فرد و خودباوری فرد تأکید شده است. امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند همه امور را به خودش [انسان] واگذار کرده است، جز آنکه اجازه نداده است که خود را ذلیل کند»^۱. همچنین رسول خدا فرموده است: «لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ؛ بر هیچ مسلمانی جایز نیست که خود را ذلیل کند»^۲. احادیث ذکر شده نشانگر تأکید ائمه بر عزت فرد و خودباوری در انسان‌ها است.

همواره داشتن اساتیدی که خود به توصیه‌های خود پای بند هستند، تأثیر بسزایی در تربیت شاگردان دارد. با نگاهی به اساتید خودباوری و عزت در اسلام یعنی امامان و پیامبر اکرم و نگاهی به شاگردان ایشان مانند عمار یاسر، ابوذر و مقداد به حقیقی بودن تأثیر پای‌بندی استاد به توصیه در تربیت شاگرد پی می‌بریم. نمونه بارز این تأثیر، اثرگذاری عزت و خودباوری امام خمینی بر مردم ایران در سال‌های ابتدایی انقلاب است. روحیه بالا و خودباوری امام خمینی باعث شد تا مردم ایران نیز خود را باور کنند و علیه رژیم ستم‌شاهی قیام کنند.

پی‌نوشت:

۱. التهذیب، ج ۶، ص ۱۷۹.

۲. اصفهانی؛ کتاب الأمثال فی الحدیث النبوی، ج ۱، ص ۱۸۷.